



فرامرز طالبی

تئاتر گیلان
و بازیابی چهره انسانی آن



پرو، شہ گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نوزاد، فریدون
تاریخ نمایش در گیلان (از آغاز تا سال ۱۳۳۲)
رشت، نشر گیلکان، ۱۳۶۸ [۲۰] + ۳۳۲ ص.

پژوهش، قلمرو شناخت ارزش‌هاست. و پژوهشگر، انسان اندیشمند است که با اتکاء به اسناد و مدارک و نیز روش-شناسی علمی، ضمن تجزیه عناصر مورد پژوهش، تحلیل رویدادهائی از قلمرو کار خویش را به‌جامعه عرضه می‌دارد. هنر نیز همچون دیگر دانشهای بشری، در قلمرو پژوهش، هستی خود را در روند تاریخی بازمی‌شناسد. این حرکت زمینه‌ها را جهت شناخت تجربه‌های نو و جهانی همگام با نیازهای بومی جامعه و سیر و سلوک تاریخی آن، آماده می‌سازد.

هنر تئاتر نیز، در کنار کار خلاق - نویسنده‌گی، کارگردانی، طراحی، بازیگری، صحنه‌آرایی و... - احتیاج مبرم به کارهای پژوهشی در هر یک از شاخه‌های مربوط به خود دارد. تجربه‌های جهانی در این قلمرو مؤید این امر است. چرا که دستاوردهای پژوهشی و در پس آن نقدنویسی عالمانه، توانسته شناخت عمیقی نسبت به آثار نمایشی

بزرگ دنیا در دسترس علاقمندان این رشته قرار دهد. اینجا بی‌مناسبت نخواهد بود که بگویم پژوهش، لازمه رشد هنر تئاتر در کشور ماست.

در ایران، در قلمرو شعر، به لحاظ قدمت تاریخی آن، و نیز داستان‌نویسی - که نطقه امروزینش از دوران مشروطیت بسته شده - دستاوردهای پژوهشی نسبتاً غنی به‌جای مانده است ولی هنر تئاتر، در تمامی شاخه‌هایش، از این موهبت به دور مانده است.

متأسفانه در ایران تا امروز هنوز يك متن پژوهشی تمام عیار با روش شناسی علمی از آثار يك نویسنده تئاتری در دست نداریم - اینجا قصد به‌هیچ‌وجه کوچک شمردن کارهای کسانی نیست که در این راه زحمت کشیده‌اند و جزء پیشگامان نیز بوده‌اند - در این وجیزه قصد این نیست که ریشه‌های این عقب‌ماندگی را مورد مطالعه قرار دهیم. ولی انتشار تاریخ گیلان تا سال ۱۳۳۲ ضرورت این مسئله را مورد تأکید قرار می‌دهد که اسناد و مدارک، مدخلی است برای هر کار پژوهشی. بدون اسناد، هیچ مجهولی، معلوم نمی‌شود. و تئاتر نیز از این قلمرو، جدا نیست. امروزه هنوز جامعه تئاتری ایران فاقد تاریخ مدون تئاتر ایران است. به‌راستی چرا؟

اطلاعات پراکنده‌ای از سالهای دور و نزدیک درباره فعالیت‌های نمایشی در دست است. در سالهای اخیر نیز کوشش‌های بسیاری صورت گرفته تا گوشه‌هایی از گذشته تئاتر این کشور مورد مطالعه و پژوهش قرار گیرد. نمونه بارز این تلاش‌ها را می‌توان در فصلنامه تئاتر دید. ولی سؤال اینجاست که آیا این فعالیت‌های پراکنده که دربرگیرنده فعالیت‌های کامل منطقه‌ای نیز نیست، نتیجه‌اش می-

تواند تدوین تاریخ تئاتر ایران باشد؟

برای پژوهشهای تئاتری، قبل از هر چیز نیاز به مرکز اسناد و مدارکسی است که برنامه منسجمی جهت گردآوری اطلاعات و پژوهش داشته باشد. این مرکز در اقدام اول خود باید تمامی مدارک را گردآوری و طبقه‌بندی کند. در گیشه و کنار کشورمان اسناد و مدارک پراکنده‌ای وجود دارد که با گذشت زمان خطر نابودی آنها حتمی است - کتاب تاریخ نمایش در گیلان بخشی از این واقعیت تلخ را به ما گوشزد می‌کند - باید اسناد، گردآوری و طبقه‌بندی شود و با تأسیس بانک اطلاعاتی تئاتر، مواد مورد نیاز پژوهشگران را آماده ساخت.

ارزش اثری همچون تاریخ نمایش در گیلان دقیقاً از این زاویه مورد توجه است. این اثر حاصل تلاش چندین ساله فریدون نوزاد نمایشنامه‌نویس، کارگردان و بازیگر پیشین تئاتر گیلان است که توسط نشر گیلکان با چاپ مناسبی در اختیار علاقمندان قرار گرفته است.

روش تدوین این اثر، مصاحبه، خاطره‌نویسی و استفاده از منابع مطبوعاتی است و بالطبع در این راه پژوهشگر بیشتر از اسناد و مدارکی سود جست که خود آنرا در اختیار داشته است و نیز به لحاظ تاریخی، این اسناد اغلب شامل دورانی می‌شود که نویسنده خود در تولید آثار نمایشی در گیلان به عنوان یک هنرمند، حضور فعال داشته است.

تاریخ نمایش در گیلان به دو بخش تقسیم شده است: بخش اول شامل تاریخ تئاتر گیلان از آغاز تا سال ۱۳۲۰ و بخش دوم از ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲. در بخش اول، نوزاد تئاتر گیلان را به سه دوره به شرح زیر تقسیم کرده است:

۱. دوره آزادی و جهش به سوی کمال و مردمی.

۲. دورهٔ اختناق و سانسور و مسخ‌شدن نمایشنامه‌ها.

۳. دورهٔ تجارت و مسخرگی و انحطاط.

در مورد بخش دوم، نویسنده خود چنین می‌نویسد: «این تاریخ کوتاه برگرفته‌هایی از یادبودهای مفصل من با بهره‌وری از پرونده و صورت‌جلسه‌های کانون هنرپیشگان پیروز گیلان و استودیو درام است» (ص ۱۷۵). در بخش اول با مجامع تئاتر چون: مجمع امید ترقی، رجاء آدمیت، دسته محمدیه، ترقی ایران، هیئت تئاترال آزاد، جمعیت اخوت، انجمن فرهنگ، مجمع آزاد ایران، انجمن گلشن، انجمن آئینه عبرت، جمعیت تهذیب اخلاق و... تالارهای نمایشی در رشت، زنان پیشگام در تئاتر گیلان و... آشنا می‌شویم. بخش دوم را نیز جمعیت گیل، جمعیت درخشان، شرکت هنر، کانون آئینه، استودیو درام گیلان، تماشاخانه گیلان تشکیل می‌دهد. نویسنده علاوه بر محافل تئاتری، در این بخش نگاهی به انجمن موسیقی گیلان و گیلانفیلم نیز دارد.

تلاش نوزاد در مجموع ستودنی است. گیل‌مرد هنرمند، با تمام توان خود، سالهای زیادی را صرف ثبت جریانهای تئاتری گیلان کرده است، ارمغان او به جامعه تئاتری کشور از یاد نرفتنی‌ست. ولی راقم این سطور که خود از دانش-آموختگان مکتب تئاتر گیلان است، توضیح چند نکته را در مورد این اثر ضرور می‌داند:

۱. واقعیت این است که تئاتر در رشت از سال ۱۲۸۶ تا ۱۳۰۵ از چنان رشد و ترقی برخوردار شده بود که جایگاه آن در تاریخ تئاتر ایران و نیز در جریانات فرهنگی کشور، هنوز ناشناخته مانده است. مطالبی که تا امروز دربارهٔ این بخش از تئاتر گیلان نوشته شده، هنوز نتوانسته بیانگر تمامی واقعیت‌های هنری - انسانی آن دوره باشد. نوزاد،

نسبت به دیگران گامهای بلندتری برداشته است. ولی او نیز نتوانسته پرونده این دوره را تکمیل کند. برای مثال دو چهره بزرگ تئاتر این دوره: گریگور یقیکیان و جهانگیر سرتیپ پور در کنار آدمهایی قرار می‌گیرند که فقط در صف هنرمندان تئاتر حضور داشته‌اند. یقیکیان احتمالاً از سال ۱۳۰۱ تا سال ۱۳۰۹ بزرگترین چهره تئاتری - به مفهوم حرفه‌ای و تکنیکی - زمان خویش بود. و نیز جهانگیر سرتیپ پور. با توجه به این نکته که سرتیپ پور هنوز در قید حیات است، آیا اطلاعات وسیع او نمی‌توانست، کمکی بیشتر به مسئله تئاتر این دوره بکند؟

۲- در تمامی آثاری که نگاه تاریخی به تئاتر دارد، نمایشنامه‌نویسان تقریباً یا حضور ندارند و یا اسمشان در ردیف سیاهی لشکران تئاتر قرار می‌گیرد. متأسفانه نوزاد که خود نمایشنامه‌نویس و صاحب کتاب نیز هست به این مسئله در سراسر متن توجه چندانی ندارد. انتظار می‌رفت در این اثر پر حجم که نشان تلاش پژوهشگر است، نگاهی نیز به متون نمایشی می‌شد. مگر نه اینکه متن، حرف اول تئاتر است؟

۳- در بخش دوم تئاتر گیلان شاهد درگیریهایی فردی و گروهی هنرمندان تئاتر هستیم. بدون شك گناه این مسئله به گردن نوزاد نبوده است، ولی نوزاد می‌توانست به عنوان يك پژوهشگر و ناظر آگاه بر بام بلندتری بایستد و این انحطاط فرهنگی را مورد بررسی دقیق‌تر جامعه‌شناختی هنری قرار دهد. در این صورت نوزاد می‌توانست با ذکر نمونه‌های شاخص وقایع، خواننده را به نتایج منطقی‌تر برساند. و شاید دیگر لازم نبود که با جریانهای تئاتری وارد قلمرو سینما هم بشویم.

۴- کتاب در مجموع فاقد يك جمعبندي از نظر حرفه‌ای در تئاتر است. نوزاد به عنوان يك هنرمند تئاتر می‌توانست در يك جمعبندي تجسمی واقعی از تئاتر گیلان داشته باشد. واقعیت این است که بخشی از تاریخ تئاتر گزارش وقایع است ولی این نیز واقعیت دارد که بخش دیگر آن تجزیه و تحلیل زیبایی‌شناختی تئاتر از دیدگاه فنی است.

نوزاد با نثری بسیار روان و گرم ما را به دنبال خود می‌کشانند. قلب‌تپنده نوزاد را در روانی و زیبایی نثر او می‌توان دید. رده‌بندی مطالب، از دیدگاه رئالیستی صورت گرفته است. برای مثال در بخش اول وقتی فضای تئاتری به سه دوره تقسیم می‌شود، نوزاد نشان می‌دهد که این دوران را از نظر تاریخی و فرهنگی می‌شناسد. سنگینی فضای فرهنگی و انسانی تئاتر رشت در دوره نخستین که از سال ۱۲۸۶ شروع می‌شود و تا سال ۱۳۰۹ (شاید درست‌تر می‌بود این پرونده در سال ۱۳۰۵ بسته می‌شد) ادامه می‌یابد، از سطر سطر کلام نوزاد حس می‌شود. و نیز این مسئله مهم که وقتی سیاست‌وارد قلمرو فرهنگ گیلان می‌شود، فرهنگ زدایی در تئاتر نیز آغاز می‌گردد. باید به تلاش این هنرمند و پژوهشگر ارجمند ارج گذاشت و امیدوار بود که همو با گامی دیگر تاریخ تئاتر گیلان را - با کمک هنرمندان دیگر، به صورت کامل به‌رشته تحریر درآورد. و نیز باید یادی کرد از تلاش نشر گیلکان در انتشار این گونه آثار ارزشمند و ماندنی.